

تأثیر باورهای دینی و اعتقادی در خانواده بر اساس آیات و روایات

زینب کوهستانی^۱

چکیده

باورها و اعتقادات دینی، به عنوان نظامی منسجم از گزاره‌های معرفتی و رفتاری، زیربنای هویت و تعاملات انسانی را تشکیل می‌دهند و در حوزه خانواده، نقش زیربنایی در هدایت افکار، القای ارزش‌ها و ایجاد انسجام ایفا می‌کنند. تحقیق حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع اصیل اسلامی همچون قرآن کریم و سنت معصومان(ع)، به بررسی ابعاد مختلف تأثیر باورهای دینی در خانواده پرداخته است. پرداختن به آیات کلیدی مانند: «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» نشان می‌دهد که پیوند ایمان و عمل صالح، بنیان آرامش و رضایت در زندگی خانوادگی است. همچنین، بررسی روایات معتبر — همچون روایت امام صادق(ع) درباره نیت خالصانه در خانواده — آشکار می‌سازد که باورهای دینی، علاوه بر آثار فردی و روانی، کارکردهای اجتماعی چون کاهش تعارض، تقویت همیاری و انتقال فرهنگی را به همراه دارند. نتایج نشان می‌دهد که بازتولید و آموزش مستمر باورهای دینی در خانواده، راهبردی پیشگیرانه برای آسیب‌های اجتماعی و عاملی اساسی در ارتقای کیفیت زندگی است.

کلیدواژه‌ها: اعتقاد، باور دینی، خانواده

^۱ - دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه فاطمیه سلام الله علیها

خانواده به عنوان نخستین و بنیادی ترین نهاد اجتماعی، خاستگاه شکل گیری شخصیت فرد و بستر پرورش ارزش ها و هنجارهای پایدار است. این نهاد نه تنها کانون محبت، آرامش و حمایت عاطفی محسوب می شود، بلکه مسئولیت های خطیری همچون تربیت نسل، انتقال فرهنگ و حفظ انسجام اجتماعی را نیز بر دوش دارد. در نگاه اسلامی، خانواده مرکز تربیت انسان ساز و پایگاه رشد اخلاقی است که بر اساس جهان بینی توحیدی، آموزه های قرآنی و تعالیم معصومان، جهت گیری اندیشه، احساس و رفتار اعضا را هدایت می کند. چنین منظومه ای از ارزش ها، با ایجاد هماهنگی میان ابعاد مادی و معنوی زندگی، خانواده را به محیطی بالنده و پویا بدل می سازد.

باورها در معنای هستی شناختی و روان شناختی خود، مجموعه ای از تصدیق ها و پذیرش ها هستند که فرد آن ها را مطابق واقعیت می داند و با پایبندی به آن ها رفتار خود را سامان می دهد. هنگامی که این باورها ریشه در وحی الهی و سنت نبوی و علوی دارند، هم بُعد فردی و هم بُعد جمعی حیات انسان را به سمت کمال سوق می دهند. این باورها می توانند پیوندی ناگسستنی میان ایمان و عمل برقرار کرده، آرامش روانی، امید به آینده و انگیزه برای رعایت ارزش های اخلاقی را در زندگی خانوادگی تقویت نمایند.

پیشینه پژوهش در این حوزه نشان می دهد که باورهای دینی و معنویت، تأثیر بسزایی بر شاخص های سلامت روان و پایداری خانواده دارند. برای نمونه، احمدی (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داد که دینداری با افزایش همبستگی درونی خانواده و کاهش تعارضات زناشویی رابطه مستقیم دارد. سلیگمن در چارچوب روان شناسی مثبت گرا بیان کرده است که معنویت و باورهای مذهبی باعث ارتقای امید، شادی و رضایت کلی از زندگی می شوند که این اثرات در خانواده به صورت امنیت عاطفی و پایداری روابط نمایان می گردد. همچنین، پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۸) حاکی از آن است که خانواده های پایبند به ارزش های دینی، در مقایسه با سایر خانواده ها، میانگین بالاتری در مؤلفه های رضایت زناشویی، تاب آوری و انسجام دارند. در بررسی بین فرهنگی ویلسون و تیلور، مشخص شد که در جوامع با حفظ ارزش های مذهبی، نرخ فروپاشی خانواده به طور معناداری پایین تر از جوامع سکولار است.

به طور کلی، یافته های این پژوهش ها تأیید می کند که باورهای دینی به عنوان نوعی « سرمایه روانی — معنوی » عمل کرده و پیوندهای عاطفی و اخلاقی میان اعضای خانواده را تقویت می کنند. این امر به ویژه در جوامعی که با

فشارهای فرهنگی و تغییر سبک زندگی مواجه هستند، نقش مهمی در حفظ کارکرد سلامت‌بخش خانواده ایفا می‌کند.

با توجه به تحولات فرهنگی و رسانه‌ای امروز که ارزش‌های بنیادین خانواده را با چالش روبه‌رو می‌سازند، ضرورت دارد تحقیقات علمی و نظام‌مند به بررسی دقیق این رابطه بپردازند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مبانی قرآنی و آموزه‌های معصومان و استفاده از یافته‌های علمی پیشین، در صدد روشن‌سازی سازوکارهایی است که باورهای دینی از طریق آن‌ها بر ساختار، کارکرد و پایداری خانواده اثرگذار می‌شوند.

۱. خانواده

الف. بعد لغت شناسی

واژه «خانواده» از ترکیب «خانه» و «زاده» ساخته شده است. در لغت‌نامه دهخدا آمده: «اهل و عیال؛ مجموع کسانی که در یک خانه به‌سر می‌برند و تحت سرپرستی یک فرد زندگی می‌کنند» در فرهنگ فارسی معین، «اهل یک خانه؛ زن و شوهر و فرزندان؛ خویشان نزدیک» ذکر شده است.^۲ فرهنگ عمید نیز آن را «مجموعه‌ای از افرادی که با پیوند نسبی، سببی یا قراردادی با هم زندگی می‌کنند» تعریف می‌کند.^۳ این دلالت‌های لغوی نشان می‌دهد که «خانه» به‌عنوان مکان و «زاده» به‌عنوان انسانِ برخاسته از آن، از ابتدا در پیوندی معنایی و فرهنگی بوده‌اند.

ب. بعد جامعه شناسی

در علوم اجتماعی، خانواده به‌عنوان «کوچک‌ترین و در عین حال بنیادی‌ترین واحد اجتماعی» تعریف می‌شود که اعضای آن از طریق پیوندهای خونی (نسبی)، سببی (ازدواج) یا قانونی به یکدیگر مرتبط‌اند.^۴ این نهاد، بستر تحقق کارکردهایی همچون تولیدمثل، جامعه‌پذیری، تربیت، و تأمین حمایت عاطفی و اقتصادی را فراهم می‌آورد.

گیدنز، خانواده را نهادی با وظایف حیاتی یاد می‌کند که افزون بر پاسخ به نیازهای زیستی و اقتصادی، مسئولیت اجتماعی کردن نسل جدید و فراهم کردن حمایت روانی-عاطفی را نیز به عهده دارد.^۵ از منظر پارسونز خانواده با تقسیم کار جنسیتی و انتقال ارزش‌ها به نسل بعد، نقشی محوری در حفظ و بازتولید نظم اجتماعی ایفا می‌کند.^۶ در رویکردهای جامعه‌شناختی معاصر، خانواده صرفاً به‌عنوان یک ساختار زیستی یا قراردادی نگریسته نمی‌شود،

۱ - دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۸، ص ۴۵۹

۲ - معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۶۴۷

۳ - عمید، فرهنگ عمید، ص ۵۹۷

۴ - گیدنز، جامعه‌شناسی، ص ۲۱؛ پارسونز، نظام اجتماعی، ص ۵۷

۵ - همان، ص ۲۱

۶ - پارسونز، نظام اجتماعی، ص ۶۱

بلکه به منزله‌ی «شبکه‌ای پویا از روابط» تلقی می‌گردد که محل شکل‌گیری هویت فردی و جمعی بوده و بر کنش متقابل پیچیده میان فرهنگ، اقتصاد، قانون و عاطفه استوار است^۱

ج. بعد دینی

از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، خانواده نهادی است که افزون بر تأمین نیازهای مادی و عاطفی اعضا، مسئولیت‌های اساسی چون تربیت معنوی، انتقال ایمان، حفظ عفت، و تقویت پیوندهای الهی میان افراد را بر عهده دارد. قرآن کریم، تشکیل خانواده را از آیات الهی دانسته که هدف آن آرامش، محبت و رحمت است همچنین در نگاه وحیانی، فرزندان نعمتی الهی و مسئولیتی امانت‌گونه‌اند که باید در مسیر ایمان و اخلاق پرورش یابند^۲

در روایات نیز این نهاد اجتماعی از محبوب‌ترین بناها نزد خداوند پس از مسجد دانسته شده است^۳ همچنین خانواده نه صرفاً یک ساختار اجتماعی، بلکه «امانت الهی» معرفی شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت»؛ یعنی هر یک از شما چوپان است و درباره‌ی رعیت خود مسئول است^۴ بر همین اساس، پدر و مادر موظفند کانون خانواده را به مدرسه‌ای برای پرورش ارزش‌های دینی و اخلاقی تبدیل کنند^۵ بنابراین، در چارچوب الهیاتی اسلام، خانواده بستر رشد ایمان، صیانت اخلاق، و استمرار جامعه توحیدی است و همین نگاه، آن را از صرف یک «واحد اجتماعی» به یک «امانت معنوی» با کارکردهای ارزشی ارتقا می‌دهد^۶

۴. تعریف تلفیقی و جامع

با ترکیب این سه بُعد می‌توان «خانواده» را چنین تعریف کرد:

«خانواده واحدی اجتماعی-فرهنگی-معنوی است که بر پیوند زبانی و تاریخی در مفهوم «خانه» و «زاده»، بر شبکه‌ای از روابط قانونی، عاطفی و خویشاوندی، و بر رسالت الهی در تأمین، حمایت، تربیت و پیوند قلبی اعضا

۱ - برگر و لوکمان، ساخت واقعیت اجتماعی، ص ۱۷۴

۲ - روم: ۲۱

۳ - تحریم: ۶

۴ - حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳

۵ - همان، ص ۱۹۴

۶ - کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷

۷ - مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۰۵

آثار اعتقاد به قضا و قدر الهی در خانواده

قضا و قدر الهی، به عنوان آموزه‌ای بنیادین در کلام اسلامی، نظام حکیمانه‌ای را ترسیم می‌کند که در آن، همه رویدادها تحت علم، اراده و مشیت خداوند واقع می‌شوند.^۱ پذیرش این اصل، به تنظیم نگرش انسان نسبت به جهان و حوادث زندگی کمک کرده و آثار تربیتی، روان‌شناختی و اجتماعی قابل توجهی در ساختار خانواده دارد.

۱. ایجاد آرامش و کاهش اضطراب

باور به اینکه وقایع، مطابق علم و اراده الهی رقم می‌خورند، فشار روانی ناشی از اتفاقات تلخ یا پیش‌بینی‌ناپذیر را کاهش می‌دهد. قرآن تصریح می‌کند: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ»

این رویکرد، به والدین و فرزندان کمک می‌کند که نابسامانی‌ها را با پذیرش آگاهانه و جست‌وجوی راهکارهای سازنده مدیریت کنند.^۲

۲. تقویت صبر و پایداری در سختی‌ها

ایمان به قضا و قدر، مشکلات را از سطح «بحران مخرب» به «فرصت رشد» ارتقا می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ... إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ»

این نگرش، انسجام خانواده را در شرایط ناپایدار تقویت کرده و توان تاب‌آوری روانی را افزایش می‌دهد.^۳

۳. جلوگیری از سرزنش و کینه‌ورزی

باور به اینکه رویدادهای تلخ، بخشی از مشیت الهی‌اند، امکان نسبت‌دادن خطا و بی‌مهری را به یکدیگر کاهش می‌دهد. این امر سطح کینه و ملامت را کم کرده و گذشت، همدلی و همکاری را جایگزین می‌سازد.^۴

۴. تقویت اعتماد به خدا همراه با تدبیر

۱ - سبحانی، عقاید اسلامی، ص ۱۸۵

۲ - حدید: ۲۲

۳ - پارگامنت، روان‌شناسی دین و مقابله با استرس. ترجمه محمد دهقانی، ص ۱۲۸

۴ - کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲

۵ - سلیگمن، روان‌شناسی مثبت‌گرا. ترجمه حمزه گنجی، ص ۱۰۷

۶ - گیدنز، جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، ص ۲۱۲

قضا و قدر حقیقی در اسلام، به معنای تسلیم کورکورانه نیست، بلکه به تلاش آگاهانه همراه با توکل اشاره دارد. امام علی(ع) می‌فرماید: «اعمل لدنیاک کأنک تعيش أبداً و اعمل لآخرتک کأنک تموت غداً»

این باور، خانواده را به سوی برنامه‌ریزی هوشمند، مدیریت منابع و استفاده از فرصت‌ها در کنار اتکا به اراده الهی هدایت می‌کند.^۲

۵. آموزش معنابخشی رویدادها به فرزندان

تبیین دقیق مفهوم قضا و قدر برای نسل جوان، آن‌ها را از منفی‌گرایی در برابر ناکامی‌ها بازمی‌دارد. نوجوانان، شکست‌ها را نه پایان راه، بلکه بخشی از مسیر رشد و آزمون الهی می‌بینند.^۳ این نگرش، انگیزه حرکت و رضایت درونی را تقویت می‌نماید.

باور به قضا و قدر، در بعد روان‌شناختی، آرامش، صبر و ظرفیت‌بخشی به روابط را تقویت می‌کند؛ در بعد اجتماعی، سطح گذشت و همبستگی را ارتقا می‌دهد؛ و در بعد تربیتی، انگیزه تلاش، توکل و معنابخشی به زندگی را پرورش می‌دهد. خانواده‌ای که این باور را به صورت صحیح درونی می‌کند، هم در بحران‌ها مقاوم‌تر و هم در آرامش، کارآمدتر خواهد بود.

^۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸۵

^۲ - مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۰۵

^۳ - احمدی، بررسی رابطه دینداری با کاهش تعارض خانوادگی، ص ۹۳

نتیجه‌گیری

بررسی آثار باورهای دینی و اعتقادی، به‌ویژه ایمان به قضا و قدر الهی، نشان می‌دهد که این اصل ریشه‌دار کلامی، کارکردی فراتر از یک گزاره‌ی اعتقادی صرف دارد و به‌عنوان چارچوبی جهت‌دهنده، ابعاد مختلف حیات خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایمان به قضا و قدر، اعضای خانواده را به پذیرش آگاهانه رویدادهای زندگی، دوری از اضطراب و ناامیدی، و تفسیر معنادار وقایع تلخ و شیرین سوق می‌دهد. چنین نگرشی، صبر، پایداری و گذشت را به ارزش‌های محوری روابط خانوادگی بدل کرده و فضای عاطفی و روانی سالم‌تری ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر، این باور نه به معنای انفعال، بلکه به منزله‌ی پیوندی میان تلاش هو شمندانه و توکل حقیقی فهم شده است. آموزه‌های قرآنی و روایی تأکید دارند که مؤمن باورمند به قضا و قدر، در عین پذیرش تقدیر الهی، مسئولیت برنامه‌ریزی و اقدام را از خود سلب نمی‌کند. این رویکرد، خانواده را به نهادی فعال، امیدبخش و مقاوم در برابر بحران‌ها تبدیل می‌کند.

در مجموع، می‌توان دو اثر کلیدی اعتقاد به قضا و قدر در خانواده را چنین خلاصه کرد:

۱. ایجاد ثبات روانی و انسجام رفتاری در مواجهه با بحران‌ها و ناکامی‌ها.

۲. تثبیت فرهنگ تلاش معنادار همراه با امید و رضایت درونی.

تحقق این دو کارکرد، علاوه بر تحکیم روابط عاطفی، به انتقال نسل‌به‌نسل ارزش‌ها و نگرش‌های سالم نیز یاری می‌رساند و خانواده را به الگویی عینی از سبک زندگی اسلامی بدل می‌سازد که هم در آرامش و هم در طوفان، مسیر رشد و تعالی را با پشتیبانی معنوی طی می‌کند.

منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- (۱) ابن طاووس، علی بن موسی. الإقبال بالأعمال الحسنة. قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- (۲) احمدی، علی. بررسی رابطه دینداری با کاهش تعارض خانوادگی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- (۳) احمدی، مهدی. روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر مسائل جوانان. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
- اوودی، رابرت. فلسفه دین: رویکردی معاصر. ترجمه محمد سعیدی مهر. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
- (۴) برگر، پیتر؛ و لوکمان، توماس. ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه محمود صانع پور. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- (۵) بک، آرون تی، درمان شناختی اختلالات هیجانی. ترجمه دکتر محمدتقی انصاری نژاد. تهران: انتشارات روان. ۱۳۹۸
- (۶) پارگامنت، کنت آی. روان‌شناسی دین و مقابله با استرس. ترجمه محمد دهقانی. تهران: انتشارات رشد، ۱۳۸۹.
- (۷) پارسا، حمیدرضا. دین و کارکردهای اجتماعی آن. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۷.
- (۸) پارسونز، تالکوت. نظام اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
- (۹) حرّ عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ق.
- (۱۰) دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- (۱۱) روف، سعید. باورهای دینی و نهاد خانواده. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۹۴.
- (۱۲) سجادی، غلامرضا. کلام جدید. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- (۱۳) سلیگمن، مارتین. روان‌شناسی مثبت‌گرا. ترجمه حمزه گنجی. تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰.
- (۱۴) سبحانی، جعفر. آموزش عقاید. قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۴۲۳ق.

- ۱۵) فرهنگ عمید. فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.
- ۱۶) فرهنگ معین. فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- ۱۷) کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۱۸) گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
- ۱۹) مکارم شیرازی، ناصر؛ و همکاران. تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۲۰) مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۴.
- ۲۱) مظفر، سید محمدباقر. عقائد الامامیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.